



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۶۵	تاریخ	۱۴۰۳/۱۰/۲۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل سوم: استدلال به سیره				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

ضمن عرض تبریک به مناسبت ایام میلاد مسعود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز آینده و میلاد فرخنده امام جواد علیه السلام در روزهای گذشته، از خداوند متعال مسئلت داریم که با تفضلات خویش، ما را در مسیر شناخت معارف اهل بیت علیهم السلام، به ویژه باب مدینه العلم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، یاری فرماید؛ تا آنکه ضمن آشنایی با این معارف، در ترویج آنها کوشا باشیم و به دستورات و سفارشات ایشان عمل نماییم و بدین سان، افزون بر گفتار، در عمل نیز مروج معارف ایشان باشیم.

مرور درس گذشته

در جلسه گذشته، به عنوان مقدمه ای برای بحث در مورد سیره و استدلال به آن در اثبات حجیت خبر واحد، این پرسش مطرح شد که ثبوتاً چند نوع سیره می توان متصور شد و کدام یک از این انواع، در مانحن فیه، می تواند برای اثبات حجیت خبر واحد مفید باشد. در پاسخ، شش نوع سیره به در مقام ثبوت بیان شد که امروز نوع هفتمی نیز بیان خواهیم کرد. در نتیجه در مجموع، هفت نوع سیره می توان تصور نمود که در مقام ثبوت وجود داشته باشند. اکنون باید بررسی شود که کدام یک از این هفت نوع سیره، در مانحن فیه، برای اثبات حجیت خبر واحد مفید خواهد بود.

نوع اول، سیره عقلای کامل العقل است. در این نوع، منظور از «عقلا»، افرادی است که دارای عقل کامل، حکمت و برجستگی در جامعه بشری هستند. بر اساس این نوع سیره، مثلاً گفته می شود سیره افراد کامل العقل در جامعه بشری بر این استقرار یافته که به خبر واحد ثقه، اعتماد نموده و ترتیب اثر دهند و آن را حجت بدانند؛ حتی اگر افاده علم نکند.

نوع دوم، سیره عقلای به معنای سیره مبتنی بر حکم عقل است. این نوع سیره، به این معناست که عقلایی که به حکم عقل عمل می کنند، سیره شان بر این استوار است که به خبر واحد ثقه عمل نموده و بر آن ترتیب اثر دهند.

سوال یکی از شاگردان: چه تفاوتی بین سیره کسانی که عقلشان کامل است با سیره ای که مبتنی بر حکم عقل است وجود

دارد؟

پاسخ استاد: ممکن است عقل فرد کامل نباشد، اما بنایش بر مبنای عقل است؛ یعنی در این مسئله، بر مبنای حکم عقل عمل می‌کند. در سیره کاملین، کار به این داریم که این‌ها کامل‌العقل‌اند؛ خوب خواه ناخواه، کامل‌العقل بودن آنها، کاشف خواهد بود از اینکه مبنای کارشان عقل است؛ اما در این فرض بعدی، افرادی هستند که ما می‌دانیم به هر کیفیتی بر اساس حکم عقل، عمل به خبر واحد می‌کنند؛ در مواردی که این کار را می‌کنند؛ ولو اینکه کامل‌العقل هم نباشند.

نوع سوم، سیره عقلایی در تعامل بین موالی و عبید عرفی است. در این نوع، ادعا می‌شود که در بین عقلا، موالی و عبید با یکدیگر بر اساس حجیت خبر واحد ثقة عمل می‌کنند؛ یعنی اگر به عبدی خبر برسد که مولایش فرمانی داده و این خبر از طریق خبر ثقة واحد به دست او رسیده باشد، در صورت عدم عمل به آن، در بین عرف عقلا، مستحق عقاب از سوی مولایش خواهد بود و بالعکس، اگر خبر واحدی بیاید و به عبد بگوید که مولا در این زمینه امری ندارد و گفته است می‌توانی این کار را انجام دهی یا آن را ترک کنی، در صورتی که عبد به خبر واحد عمل کند، ولی خبر واحد خلاف واقع باشد، در اینجا عرف عقلا، عبد را معذور می‌دانند و حکم می‌کنند که مستحق عقاب نیست. این بدان معناست که حجیت خبر ثقة بین موالی و عبید، در رابطه بین آنها جاری است. این نیز یک نوع ادعای سیره عقلایی است.

قسم چهارم، سیره عقلایی به این معنا که عقلا در مقام جلب مصلحت و دفع مضرت، به خبر واحد ثقة عمل می‌کنند. قسم پنجم، سیره عقلا در امور غیرمهم است. در این نوع، ادعا می‌شود که عقلا در امور غیرمهم، به خبر واحد عمل می‌کنند؛ نه در تمام امور.

نوع ششم: سیره عقلایی بر عمل به خبر واحد اطمینان‌آور است. در این نوع، گفته می‌شود عقلا سیره‌شان بر این است که اگر خبر واحدی برایشان موجب اطمینان به صدق باشد، به آن عمل می‌کنند و چون خبر ثقة برایشان اطمینان به صدق می‌آورد، به آن عمل می‌کنند. سیره عقلا در عمل به خبر واحد، بر این مستقر شده که چون خبر واحد را موجب اطمینان به صدق می‌دانند، به آن عمل می‌کنند.

نوع هفتم: تمام عقلای عالم

نوع هفتم از سیره عقلاییه، این است که عقلای عالم از اولین تا آخرین، بنا را بر این گذاشته‌اند که به خبر ثقة واحد عمل کنند. در طول تاریخ، از اول تا امروز، همیشه عقلای عالم مبنایشان این بوده که به خبر ثقة عمل کنند. اکنون باید بررسی شود که کدام یک از این هفت نوع سیره، در بحث ما واقع خواهد شد تا بتوان به سیره توسل کرد و حجیت خبر را اثبات نمود.

از این سیره‌های هفتگانه، فقط دو نوع در اثبات حجیت خبر واحد به سیره مورد بحث ما واقع خواهد شد. بقیه اقسام، همان‌طور که توضیح خواهیم داد- در این جا نمی‌تواند مورد بحث ما واقع شود.

آن دو سیره‌ای که می‌توانیم به آنها تمسک کنیم و مورد بحث ما واقع خواهد شد، عبارتند از:

۱. سیره عقلایی‌ای که مبتنی بر حجیت خبر ثقة در رابطه بین موالی و عبید باشد؛ یعنی اگر چنین گفته شود که سیره عقلایی وجود دارد که در ارتباط بین موالی و عبید، حکمی که مولا صادر می‌کند برای عبد، سیره عقلایی مبتنی بر حجیت خبر ثقة است و استحقاق عقاب برای عبد قائل می‌شوند اگر عبد از امری که به وسیله خبر واحد برسد تخلف کند یا نهی که از طریق خبر واحد به او برسد را نادیده بگیرد.

۲. سیره عقلایی که مبتنی بر این است که عقلا در جلب منفعت و دفع ضرر، به خبر ثقه عمل می کنند و هر جا خبر ثقه ای منفعتی را برای آنها خبر داد یا مضره ای را، آنها به این خبر ثقه عمل می کنند و ترتیب اثر می دهند. به این ترتیب تنها این دو نوع سیره در «ما نحن فیه» می تواند مورد بحث قرار بگیرد؛ اما فروض دیگر، مورد بحث ما قرار نمی گیرد؛ توضیح آنکه:

سیره قسم اول که سیره کاملین از عقلاست، به حکم عقل برمی گردد؛ یعنی خود آن فی نفسه و سیره بما هی سیره، نمی تواند مورد استدلال واقع شود؛ یعنی سیره کسانی که بر اساس کمال عقلی شان، در رفتارشان تنها بر اساس حکم عقل عملی عمل می کنند)، به حکم عقل عملی باز می گردد و باید در بحث عقل آن را بررسی کرد. مثلاً وقتی می خواهیم اثبات کنیم که عقل دلالت می کند بر حجیت خبر واحد، می گوئیم یکی از کواشف دلالت عقل بر حجیت خبر واحد، عمل کامل العقل هاست. قسم دوم نیز - که عبارت بود از اینکه سیره عقلایی که به حکم عقل عمل می کنند، سیره شان بر این است - به حکم عقل برمی گردد. در این قسم نیز استدلال به سیره نیست؛ بلکه استدلال به حکم عقل است.

قسم پنجم - سیره عقلاییه در عمل به خبر واحد در امور غیر مهمه - نیز مورد استدلال برای حجیت خبر واحد واقع نمی شود؛ زیرا شاید عمل آنها به خبر واحد، از باب عدم احتمال به مخبر مخبر به باشد؛ لذا به هر ظنی عمل می کنند؛ چه خبر واحد باشد و چه اینکه تطیر باشد. گاهی برخی به تطیر نیز عمل می کنند. این ترتیب اثرها در مواردی که مخبر به امر مهمی نیست، نمی تواند مورد استدلال قرار بگیرد؛ زیرا چنین عملی، از باب حجیت نزد عقلا نیست؛ بلکه از باب این است که احتمال می دهد و مخبر به هم برای او مهم نیست؛ لذا به آن عمل می کند؛ بنابراین این سیره، مبتنی بر حجیت نیست؛ بلکه مبتنی بر عدم اهمیت مخبر به است.

نوع ششم از سیره عقلاییه که سیره عقلا در عمل به خبر واحد موجب اطمینان بود نیز در بحث ما مورد استدلال واقع نمی شود؛ زیرا بر فرضی اینکه چنین سیره ای از طرف شارع امضا شود، امضای اطمینان است؛ بدین معنا که سبب موجب اطمینان، نزد شارع حجت خواهد بود و این، حجیت خبر واحد را اثبات نمی کند و خارج از محل بحث ماست. سوال یکی از شاگردان: امکان ندارد که شارع، اطمینان مترتب بر سیره را فقط امضا کرده باشد، نه مطلق اطمینان را؟ پاسخ استاد: در فرضی هم همچنین چیزی باشد، جای بحث آن در اینجا نیست که آیا اطمینان فی نفسه حجت هست یا نه؟ بلکه باید در بحث قطع بحث شود و دیگر از باب سیره نیست.

نوع قسم هفتم سیره که بگوئیم عقلای عالم من الاولین و الآخرين، به خبر واحد عمل می کردند و ترتیب اثر بر خبر واحد ثقه می داده اند، نیز مورد بحث ما واقع نمی شود؛ زیرا این نوع سیره نیز کاشف از حکم عقل خواهد بود. در گذشته بیان کردیم که اگر چنین اتفاقی از عقلا در امری وجود داشته باشد، حاکی از آن است که حکم عقل آنها، آنها را به این سیره واداشته است؛ زیرا تنها عنصر مشترک بین عقلای اولین تا آخرین، عقل آنهاست؛ لذا معلوم می شود که اگر سیره ای داشتند، مصالح شخصی، شرایط محیطی، شرایط تاریخی، انگیزه های هوای نفسی و امثال آن در شکل گیری سیره دخالت نداشته است؛ زیرا سایر عوامل، در بین عقلا مشترک نیست و هر دسته از عقلا، نوعی از این عوامل در آنها اثر می کند.